گفت‌وگو با عوامل نمایش «بازی‌نامه باستان» که در آرامگاه فردوسی روی صحنه می‌رود

«شاهنامه» منبع غنی ایده‌های نمایشی است

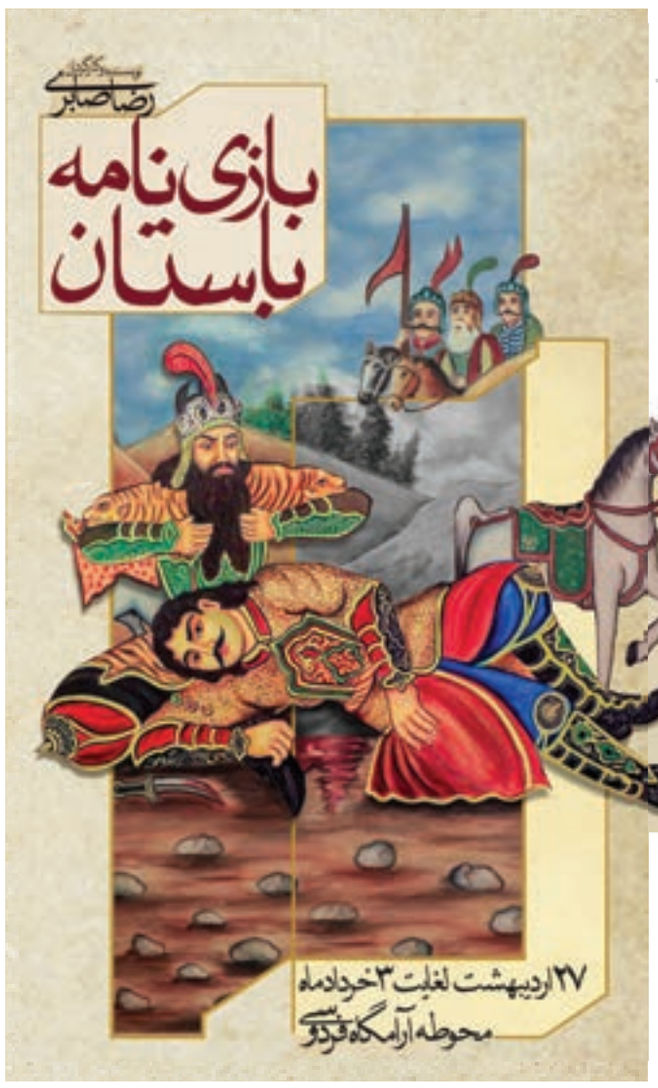

پوستر نمایش «بازی‌نامه باستان»- طراح: سروش حیدری

شکیبا افخمی‌راد

گزارش روز

نمایش «بازی‌نامه باستان» به‌نویسندگی و کارگردانی رضا صابری که پیش از این در دهه۸۰اجرا و با استقبال خوب مخاطبان نیز روبه‌رو شده‌بود، به مناسبت روز بزرگداشت فردوسی و هم‌زمان با دهه ادب و حماسه در آرامگاه فردوسی روی صحنه می‌رود. این نمایش از زوایای مختلف به شاهنامه و زندگی فردوسی می‌پردازد و در آن بازیگرانی همچون سیدمهدی وحیدی، راضیه ایرانی، شاپور ترکمن‌سرابی، غلامرضا عارف‌نژاد، سعید نظریان، کریم جشنی، رضا تقی‌زاده و ساناز هاشمی به ایفای نقش می‌پردازند. رضا صابری به همراه غلامرضا عارف‌نژاد و سیدمهدی وحیدی درگفت‌وگو با شهرآرا درباره ضرورت اجرای نمایش‌های بیشتر با محوریت شاهنامه و همچنین نمایش «بازی‌نامه باستان» که قرار است به مدت ۱۰ روز و تا ۳ خرداد به اجراهایش در آرامگاه فردوسی ادامه دهد، صحبت کرده‌اند که در ادامه پیش‌روی شماست.

حمایت شهرداری مشهد از «بازی‌نامه باستان»

رضا صابری درباره اجرای نمایش «بازی‌نامه باستان» می‌گوید: این نمایش که اولین‌بار چندین سال پیش در شهرهای مختلفی چون اهواز، اصفهان، تهران و مشهد اجرا شده‌بود، درباره زندگی ابوالقاسم فردوسی است. او ادامه می‌دهد: «بازی‌نامه باستان» برای صحنه نوشته شده است، ولی برای اجرای میدانی هم قابلیت دارد. امسال که از ما خواستند نمایش را به مناسبت بزرگداشت فردوسی در آرامگاه اجرا کنیم، بخش‌هایی از نمایش را انتخاب و مواردی به کار اضافه کردیم تا مناسب فضای درنظرگرفته‌شده‌باشد. به گفته صابری زمان اجرای نمایشنامه اصلی حدود دو ساعت بود که برای اجرا در دهه ادب و حماسه به یک ساعت کاهش یافت. شهرداری مشهد نیز پای کار آمده است و کارهای پشتیبانی را انجام می‌دهد. این کارگردان یادآور می‌شود: گروه بازیگران نمایش از قدیمی‌ها و جوان‌های تئاتر مشهد تشکیل شده‌است و محمد برومند نیز به عنوان جانشین تولید گروه را همراهی می‌کند. صابری با اشاره به تغییرات ایجادشده در گروه نمایش «بازی‌نامه باستان» نسبت به گذشته، بیان می‌کند: بازیگران نمایش تغییر کرده‌اند، اما برای نقش فردوسی که نقش محوری نمایش محسوب می‌شود، دوباره به سراغ غلامرضا عارف‌نژاد که در اجراهای گذشته هم این نقش را ایفا کرده‌بود و برای اجرا آمادگی داشت، رفتیم. او درباره اجرای نمایش در آرامگاه فردوسی نیز می‌گوید: تا به‌امروز گروه‌های مختلفی در آرامگاه فردوسی روی صحنه رفته و قصه‌های شاهنامه را اجرا کرده‌اند، اما نمایشی که من نوشته‌ام و قرار است دوباره اجرا شود، به زندگی خود فردوسی و نوشتن شاهنامه می‌پردازد. به گفته این هنرمند نمایش بازی‌نامه باستان از ۳ فصل رستم و سهراب، بیژن و منیژه و همچنین سلطان محمود غزنوی تشکیل شده‌است.

در حق شاهنامه جفا شده‌است

صابری با اشاره به ناکافی بودن آثاری که تا به‌امروز در ارتباط با شاهنامه و فردوسی تولید شده‌اند، خاطرنشان می‌کند: قابلیت‌های نمایشی زیادی در فردوسی و شاهنامه وجود دارد. حتی می‌توان گفت شاهنامه منبع ایده‌های نمایشی است، ولی متأسفانه هنرمندان کمتر به آن پرداخته‌اند. او یادآور می‌شود: به نظر من در حق شاهنامه فردوسی با آن همه غنای فرهنگی و مضمونی که دارد، جفا شده‌است، درحالی که هر بخش از شاهنامه داستان‌های بی‌نظیری دارد و می‌تواند به یک تئاتر یا فیلم خوب تبدیل شود. از این‌رو باید هنرمندان تشویق شوند تا شاهنامه را مطالعه و نمایشنامه‌ها و فیلم‌نامه‌هایی با محوریت آن بنویسند. من هم سال‌ها پیش که می‌خواستم نمایشنامه «بازی‌نامه باستان» را بنویسم، مطالعات گسترده‌ای انجام دادم و یک سال زمان گذاشتم. صابری با اشاره به محدود شدن اجرای نمایش‌های مرتبط با شاهنامه به ایام بزرگداشت فردوسی، بیان می‌کند: شاهنامه فردوسی برای اجراهای عموم، نه‌تنها در مشهد، بلکه در همه ایران، قابلیت دارد؛ اما الان به این دلیل که همه اتفاقات مرتبط با فردوسی در مشهد رخ می‌دهد، سایر شهرستان‌ها به فردوسی نوعی احساس بیگانگی پیدا کرده‌اند که اتفاق بدی است. ما باید قصه‌های شاهنامه فردوسی و حکایت‌هایش را در سایر شهرها نیز گسترش دهیم. این هنرمند درباره نامناسب بودن شرایط برای اجراهای مرتبط با فردوسی نیز می‌گوید: باید متولیان فرهنگی فضای مناسبی را برای اجرا و تولید آثار نمایشی با محوریت شاهنامه فراهم کنند؛ چون ما هنرمندانی داریم که به شاهنامه فردوسی علاقه‌مندند، ولی متأسفانه به‌دلیل هزینه‌بردار بودن این گونه اجراها فعالیتی نمی‌کنند. این افراد باید حمایت شوند. او تأکید می‌کند: حمایت‌ها نباید به اردیبهشت هرسال و سالگرد فردوسی محدود شود و باید در طول سال هم نمایش‌هایی درباره فردوسی روی صحنه برود.

رضا صابری: باید متولیان فرهنگی فضای مناسبی را برای اجرا و تولید آثار نمایشی با محوریت شاهنامه فراهم کنند

اجرای کامل‌ترین اثر نمایشی در وصف فردوسی

غلامرضا عارف‌نژاد، بازیگر نقش فردوسی، درباره حضورش در نمایش «بازی‌نامه باستان» این گونه توضیح می‌دهد: من در ابتدا از بازی در این نقش می‌ترسیدم؛ چون اگر لغزشی می‌داشتم، به فراموشی سپرده می‌شدم؛ از این‌رو شروع به مطالعه شاهنامه و قسمت‌هایی از زندگی فردوسی کردم. روزها و شب‌ها در یک اتاق تنها می‌نشستم و بیت به بیت شعرها را می‌خواندم و حفظ می‌کردم. در این بین از آقای صابری هم کمک گرفتم تا از عهده نقش سنگین فردوسی برآیم. این هنرمند یادآور می‌شود: من در طول عمر بازیگری‌ام نقش‌های متفاوتی بازی کرده‌ام، اما در بین آن‌ها نقش فردوسی را بسیار دوست دارم و به آن افتخار می‌کنم؛ از این‌رو زمانی که به من پیشنهاد شد دوباره این نقش را بازی کنم، به راحتی پذیرفتم. عارف‌نژاد با اشاره به اجراهای گذشته نمایش «بازی‌نامه باستان» که به‌صورت صحنه‌ای بود، بیان می‌کند: نمایش صحنه‌ای و میدانی دو مقوله جدا از هم هستند و هرکدام ملزومات مختص خود را دارند که باید رعایت شوند. از آنجایی که نمایش «بازی‌نامه باستان» قرار است این‌بار به‌صورت میدانی اجرا شود، نسبت به گذشته تغییراتی داشته، ولی اصل نمایش دست نخورده‌است. به گفته او نمایش به‌روز شده و حذفیاتی هم صورت گرفته است تا تماشای اثر در حوصله مخاطب میدانی باشد. عارف‌نژاد ویژگی اصلی «بازی‌نامه باستان» را پرداختن به خود فردوسی می‌داند و می‌گوید: در سال‌های گذشته بسیاری از هنرمندان درباره داستان‌های مختلف شاهنامه اثری را آماده کردند و روی صحنه بردند، اما من به‌جز «بازی‌نامه باستان» اثر دیگری ندیدم که درباره فردوسی باشد. درواقع این اثر را می‌توان کامل‌ترین نمایشی دانست که تا به‌حال در وصف حکیم ابوالقاسم فردوسی اجرا شده است.

ایفای نقش رستم برای سومین‌بار

سید مهدی وحیدی که نقش رستم را در نمایش «بازی‌نامه باستان» ایفا می‌کند، درباره حضورش در این نمایش می‌گوید: من برای سومین‌بار است که افتخار دارم نقش رستم را بازی کنم. او یادآور می‌شود: رستم نماد وطن‌پرستی و اسطوره همه ایرانی‌هاست؛ کسی که همه زندگی خود را برای دفاع از کیان ایران و ایرانی فدا می‌کند؛ از این‌رو من به ایفای نقش رستم بسیار علاقه‌مندم. وحیدی با اشاره به نمایش‌هایی که در سال‌های گذشته در آرامگاه فردوسی اجرا شده‌اند، بیان می‌کند: ما در زمانی زندگی می‌کنیم که دشمنانمان سعی دارند هویتمان را از بین ببرند. در این بین با نسلی هم روبه‌رو هستیم که با شاهنامه‌خوانی و حافظ‌خوانی بیگانه است. مناسبت‌ها و رویدادهایی مانند بزرگداشت فردوسی می‌تواند فرصتی برای معرفی هویت و تمدن ایرانی به نسل جوانی باشد که بیشتر با اینترنت و فضای مجازی سازگاری دارد. تئاتر هم هنری است که می‌تواند در این زمینه تأثیرگذاری بسیاری داشته باشد. این هنرمند تأکید می‌کند: مردم تم‌های تاریخی و درام‌های زیبایی را که در شاهنامه هست دوست دارند و با آن‌ها همراه می‌شوند؛ پس ما می‌توانیم خیلی بیشتر به شاهنامه بپردازیم و به هیچ‌وجه نباید فقط منتظر فرارسیدن روز بزرگداشت فردوسی برای اجرای برنامه باشیم. درواقع ما باید در طول سال حداقل ۱۰ تا ۱۵ اثر را درباره قصه‌های مختلف شاهنامه روی صحنه ببریم. او با اشاره به کمبود بودجه و برخی برنامه‌ریزی‌های نادرست ادامه می‌دهد: هنرمندان با استعداد و کارگردان‌های خوبی در شهر خودمان فعال‌اند که به فردوسی و شعر و ادبیات اشراف دارند و می‌توانند نمایش‌های خیلی خوبی را از لحاظ فرمی و داستانی در این زمینه روی صحنه ببرند. وحیدی خاطرنشان می‌کند: آرامگاه فردوسی می‌تواند به مکانی تبدیل شود که مردم برای دیدن نمایش‌ها به آنجا مراجعه کنند؛ برای مثال داستان‌های شاهنامه می‌تواند به‌صورت سریالی در آرامگاه اجرا شود و پول و درآمد هم برای عوامل به همراه داشته باشد؛ به این ترتیب فردوسی و آرامگاهش نه فقط برای مشهدی‌ها، بلکه برای همه زائران و توریست‌هایی که به شهرمان می‌آیند، به مکانی جذاب‌تر تبدیل خواهد شد.

هیولا بیدار می‌شود

«جنگ جهانی سوم»، فیلمی که هدر رفت

محمد عنبرسوز

نقد روز

فیلم تازه هومن سیدی که یکی از محبوب‌ترین کارگردان‌های چند سال اخیر سینمای ایران بوده، در فضایی متفاوت ساخته شده‌است، با رویکردی که شباهت چندانی به آثار قبلی این فیلم‌ساز ندارد. «جنگ جهانی سوم» فیلمی خاص است که نشانه‌هایی از نگاه یک فیلم‌ساز میان‌سال را در هومن سیدی برملا می‌کند؛ کارگردانی که به نظر می‌رسد به مرز پختگی رسیده و در فیلم جدیدش کمتر نشانی از شلوغ‌بازی و خودنمایی به چشم می‌خورد.

متن، منهای حاشیه

برخلاف تفاسیر فرامتنی رایج که در فضای سیاست‌زده امروز قصد دارند از این فیلم یک مانیفست نمادپردازانه بسازند، «جنگ جهانی سوم» اثری سرراست درباره تحقیر شدن و تبدیل آدم‌های سالم به جانوران ددمنش است که در بستر یک اجتماع ناسالم مبتنی بر قانون جنگل، سرنوشتی محتوم به نظر می‌رسد. اساسا این گونه نیست که سرِ شکیب، در اثر پوشیدن لباس هیتلر یا بازیگر شدن، گیج رفته و دیکتاتور درونش فعال شده باشد. برعکس، او از آزار دیدن و به‌جایی نرسیدن صدایش است که به‌بن‌بست استیصال می‌رسد، درحالی که تنها آرزوی ساده‌اش این است که مردم او را به حال خود رها کنند. همه مؤلفه‌های بیرونی -از پول و شهرت گرفته تا لباس و خانه- برای شکیب بی‌ارزش است؛ چنان که خودش تصریح می‌کند: «من هیچ‌کس نبودم، هیچ‌کس هم نیستم». بر همین اساس، می‌توان گفت که فیلم ادعای محتوایی بزرگی، مبنی بر پرداختن به یک سوژه ملتهب یا بازنمایی یک ایده پیچیده سیاسی اجتماعی را ندارد و این نقطه‌قوت بزرگ آن است؛ زیرا سازندگانش فرصت پیدا می‌کنند بر مؤلفه‌های سینمایی متمرکز شوند.

فیلم‌نامه کم‌حرف

یکی از مهم‌ترین آفت‌های هنرهای نمایشی ایران در سال‌های اخیر، نزدیک شدن فیلم‌نامه‌ها به قصه‌های رادیویی بوده است. بخشی از فیلم‌های سینمایی و سریال‌های ایرانی به‌نحوی ساخته می‌شوند که صرفا با شنیدنشان می‌توان بخش زیادی از داشته‌های اثر را درک کرد، بدون اینکه چیزی از دست برود. نقطه‌قوت فیلم‌نامه «جنگ جهانی سوم» به‌همین کاستن از خصلت شنیداری و تمرکز بر ویژگی‌های بصری بازمی‌گردد. موضوع فیلم‌نامه ساخته جدید هومن سیدی را احتمالا بارها و بارها در قالب فیلم‌ها و سریال‌های مختلف ایرانی و خارجی دیده‌ایم؛ قصه یک انسان بی‌آزار و خوب که بر اثر ناملایمات اجتماعی، به موجودی دیوصفت تبدیل می‌شود. روشن است که نویسندگان «جنگ جهانی سوم» به خوبی از تکراری بودن این طرح یک‌خطی قصه خود مطلع بوده‌اند، اما تعمدا، با پرهیز جدی از پرحرفی، عرصه را برای بروز خلاقیت‌های بصری کارگردان باز گذاشته‌اند. هومن سیدی هم توانسته است کارگردانی تمیزی را در فیلم تازه خود به نمایش بگذارد و این موضوع را بیش از هر چیز دیگر مدیون خویشتن‌داری فیلم‌نامه است.

شکیبایی شکیب

برخلاف آنچه از هومن سیدی انتظار می‌رفت، «جنگ جهانی سوم» کار خود را با صبر و حوصله آغاز می‌کند و به سبک فیلم‌های اصغر فرهادی، تا نیمه راه مشغول شخصیت‌پردازی است. سکوت‌های طولانی فیلم‌نامه از یک طرف به مخاطب اجازه می‌دهد بیشتر به شخصیت اصلی نزدیک شود و از سوی دیگر این فرصت را در اختیار کارگردان قرار می‌دهد که با تمرکز و وسواس، روی جزئیات تک‌تک نماها فکر کند. در محور اول، نتایج دل‌نشین خویشتن‌داری‌های فیلم‌نامه «جنگ جهانی سوم» را می‌توانیم در بازی دقیق و فنی محسن تنابنده در نقش شکیب ملاحظه کنیم. نویسندگان، به‌جای اینکه بخواهند فاصله بین سطور را با دیالوگ پر کنند، اجازه داده‌اند که زمینه برای هنرنمایی حسی در چهره بازیگر فراهم شود و انصافا تنابنده هم از این فرصت نهایت بهره را برده است. این یکی از بهترین تک‌نوازی‌های سال‌های اخیر سینمای ایران است که بازیگر نقش‌نقی معمولی را در قامت یکی از قبراق‌ترین هنرپیشه‌های سینمای ایران به مخاطب معرفی می‌کند. تنها مشکل اجرای تنابنده این است که در یکی دوسکانس، به‌واسطه ضعف نقش مقابلش، از نفس افتاده؛ جایی که انتخاب حاتم مشمولی حسابی به کیفیت بازی‌های اثر لطمه زده است. مشمولی چهره‌ای دوست‌داشتنی و به‌غایت احترام‌برانگیز است که حضورش در ویدئوکست برنامه «کتاب‌باز» یکی از گفت‌وگوهای حیرت‌انگیز سال‌های اخیر تلویزیون را رقم زد. با این حال، انتخاب او برای یکی از نقش‌های مهم «جنگ جهانی سوم» اشتباه غیرقابل اغماض هومن سیدی لقب می‌گیرد. بازی مصنوعی او در این فیلم، چنان به قامت اثر زار می‌زند که گویی پلان‌های او و تنابنده جداگانه فیلم‌برداری شده و در تدوین به هم چسبیده‌اند. این موضوع در سکانس هتل، تداوم و یکدستی اثر را خدشه‌دار کرده و اجرای محسن تنابنده را هم تحت‌الشعاع قرار داده است. از سوی دیگر اما کم‌حرفی فیلم‌نامه باعث شده است کار هومن سیدی، در مقام کارگردان، حسابی به چشم بیاید. کارگردان نیز ظرفیت‌های این موقعیت را قدر دانسته و با انتخاب‌های هنرمندانه‌اش «جنگ جهانی سوم» را به اثری متمایز تبدیل کرده است.

راهزن‌های سینما

«جنگ جهانی سوم»، فیلمی در نماهای باز با مختصاتی ویژه است که تماشا کردنش روی پرده عریض سینما با دیدنش در مانیتورهای خانگی زمین تا آسمان تفاوت دارد. درواقع می‌توان گفت که تماشای فیلم تازه هومن سیدی در خانه این اثر را به باد می‌دهد و لو رفتن نسخه با کیفیتش باعث شده است این فیلم یکی از هدررفته‌ترین فیلم‌های سال‌های اخیر ایران لقب بگیرد.

خبر

آغاز جشنواره بین‌المللی فیلم و فیلم‌نامه «ایثار»

مراسم افتتاحیه نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم و فیلم‌نامه «ایثار» با حضور جمعی از مسئولان فرهنگی، هنرمندان و مردم مشهد، در جوار مزار شهدای گمنام مجموعه کوهسنگی مشهد برگزار شد. نمایش فیلم‌های جشنواره ایثار و برنامه نشست‌های تخصصی این جشنواره، از امروز، در پردیس سینمایی مهر کوهسنگی مشهد آغاز می‌شود. این برنامه‌ها تا ۲ خردادماه ادامه دارد.

چارسوق هنر

عرض ارادت سینمای ایران به امام رضا(ع)

هم‌زمان با دهه کرامت در برنامه‌ای با عنوان شصت سال سینمای ایران و عرض ارادت به پیشگاه امام رضا(ع)، آثار منتخب طی ۱۰ روز به نمایش در می‌آید. به گزارش شهرآرا، به نقل از روابط عمومی مؤسسه تصویر شهر، این برنامه از ۳۱ اردیبهشت تا ۹ خرداد ماه هر شب ساعت ۸ در شهرهای مشهد مقدس (پردیس مهر کوهسنگی)، قم (سینما آیه)، شیراز (سینما شیراز) و ری (پردیس سینمایی راگا) میزبان علاقه‌مندان سینمای ایران خواهد بود.

رونمایی از فیلم «اخت الرضا» به‌کارگردانی مجتبی طباطبایی، هم‌زمان با میلاد حضرت معصومه(س) اولین اکران این مجموعه خواهد بود و تا شب میلاد امام رضا(ع) فیلم‌های «کیمیا» ساخته احمدرضا درویش، «آسمان هشتم» ساخته حسن نجفی، «بچه زرنگ» ساخته بهنود نکویی، محمدجواد جنتی و هادی محمدیان، «شب» ساخته رسول صدرعاملی، «دعوت‌نامه» ساخته مهرداد فرید، «به آهستگی» ساخته مازیار میری، مستندهای «یا ضامن آهو» ساخته پرویز کیمیاوی، «مشهد مقدس» و «ایمان» ساخته حسین ترابی، سینمایی «زمزمه» ساخته خسرو ملکان و «بدون قرار قبلی» ساخته بهروز شعیبی به‌عنوان محصولات شش دهه سینمای ایران با موضوع رضوی روی پرده خواهند رفت.

این برنامه توسط بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع) با مشارکت حوزه هنری و همراهی فیلم‌خانه ملی ایران، مؤسسه تصویر شهر و مدرسه اسلامی هنر برگزار می‌شود و تقدیر از سازندگان این آثار و برپایی نشست پرسش و پاسخ در مشهد برای این فیلم‌ها برنامه‌ریزی شده است.

ایستگاه خبر

در سومین نشست «دیوار چهارم» بیان شد

ایجاد تفکر در طنز «بی‌خردان»

امین راستگو

سومین نشست از سلسله جلسات نقد تئاتر مشهد «دیوار چهارم» چهارشنبه در سالن اصلی تئاترشهر مشهد برگزار شد. به گزارش شهرآرا، در این نشست به دبیری احسان روحی با حضور هنرمندان، هنرجویان و جمعی از علاقه‌مندان هنرهای نمایشی، نمایش «بی‌خردان» به‌نویسندگی و کارگردانی کیوان صباغ نقد و بررسی شد.

در این نشست امیراحسان امیرپور، وکیل پایه یک دادگستری و حقوق‌دان، از منظر حقوقی درباره این نمایش گفت: در نظام‌های حقوقی، قاضی نمی‌تواند رأی خود را نقض کند و وکلای مدافع نمی‌توانند با قاضی نسبت فامیلی داشته باشند، اما این مسئله در نمایش به شکل دیگر مشاهده می‌شد.

در ادامه دانوش یزدان‌پناه، منتقد تئاتر مشهد، با بیان اینکه کمدی «بی‌خردان» بر مبنای موقعیت دوقطبی اجتماعی به وجود آمده است، گفت: این اثر حاوی پیام‌های اجتماعی است که نیم‌نگاهی به خرد جمعی دارد و می‌خواهد آگاهی مردم نسبت به یک موضوع و درگیری بر سر آن را نشان دهد. وی افزود: نقد موجود، ما را به واقع‌گرایی نزدیک می‌کند و شکل جدیدی از ارزش‌گذاری است. برخلاف نقد واقعیت که به سمت کمال‌گرایی می‌رود، نقد موجود یعنی اثر را همراه با صاحب اثر و تحلیل آن باید ارزش‌گذاری کرد.

کیوان صباغ، نویسنده و کارگردان نمایش «بی‌خردان»، با بیان اینکه این نمایش کمدی نیست و طنز است، گفت: اولویت اصلی طنز ایجاد تفکر اما در کمدی، سرگرم کردن است. چون در نمایش ما با شکستن دیوار چهارم از طریق راوی به مخاطب امکان ایجاد تفکر می‌دهیم. صباغ ادامه داد: در «بی‌خردان» با چند نوع بازی بازیگر مواجه هستیم؛ بازی‌های تیپیکال و رئالیستی. به‌طور مثال کاراکتر قاضی در دادگاه بازی تیپیکال دارد و در خانه رئالیستی است. وی خاطرنشان کرد: در بیشتر کارهایم در کنار تیم حرفه‌ای، برخی از تازه‌واردها به عرصه تئاتر را هم مورد استفاده قرار داده‌ام که نقش‌های اصلی را بازی کرده‌اند. هرچند که بازیگران حرفه‌ای ریتم یک نمایش را بهتر حفظ می‌کنند و درک کاملی از فضای یک اثر دارند، بازیگر تازه‌وارد را راحت‌تر می‌توان آن‌طور که کارگردان می‌خواهد به سمت شخصیت برد.